

■ ارز و سیاست‌های ارزی در بودجه ۷۸

دفتر بررسی‌های اقتصادی

مقدمه

است که دولت همراه با بودجه‌های سالانه، بودجه ارزی کشور را ارائه نماید که در آن مصارف و منابع ارزی به تفکیک طرح‌ها و پروژه‌ها بیان شده باشد. در غیاب این گزارش تفصیلی، وجود گزارشی که اطلاعات کلی درباره ارقام اصلی نقل و انتقال‌های ارزی را بیان می‌کند، دست کم می‌توانست چارچوب‌های عمومی جریان ارز را نشان دهد. جای بسی تأسف است که هیچ یک از این مستندات همراه با لایحه بودجه آورده نشده است.

۱- سیاست ارزی کشور

سیاست ارزی کشور، شناوری ارزش ریال بدون داشتن هرگونه معیار انضباطی است. به این ترتیب، نرخ برابری هر دلار آمریکا معادل ۱,۷۵۰ ریال به عنوان یک برابری

عمده‌ترین مباحث مربوط به سیاست‌های ارزی کشور به شکلی کلی در قالب تبصره ۲۹ لایحه بودجه ذکر شده است. البته در تبصره‌های دیگر نیز به مسئله ارز و چگونگی استفاده و تخصیص آن اشاراتی شده است (نظیر تبصره‌های ۱۴,۵,۲ و ۲۸)، اما مفاد تبصره ۲۹ در این ارتباط نقشی غالب دارد. بدین جهت در ابتدا این تبصره و سپس تبصره‌های دیگر مورد بحث قرار می‌گیرند و در قالب آنها به مباحثی نظیر نرخ ارز، درآمد ریالی حاصل از فروش ارز، تعهدات خارجی، تراز تجاری و دیگر مباحث ارزی خواهیم پرداخت.

در زمینه ارزی مسائل مختلفی مطرح می‌شود که بودجه می‌تواند روی هر یک از آنها سیاست‌گذاری کند. کمال مطلوب آن

استفاده می‌شود. هر دلار در این نرخ معادل ۳,۰۰۰ ریال است.

۳- نرخ واریزنامه‌ای که در سال ۱۳۷۷ به وجود آمد و برای شفاف کردن مبادله واریزنامه‌های مربوط به صادرات غیرنفتی به کار گرفته شد. به نظر می‌رسد که بانک مرکزی از این نرخ برای دریافت ریال اضافی به ازای هر دلار استفاده می‌کند. بانک مرکزی این گفته را به صورت رسمی رد می‌نماید، ولی تمام شواهد نشان می‌دهد که بانک مرکزی در این بازار حضور دارد و مداخله می‌کند.

۴- نرخ بازار آزاد با تأیید منشأ خارجی، نرخ رسمی است که به صورت رسمی می‌تواند براساس توافق بین خریدار و فروشنده معین شود. ارسال ارز خریداری شده به خارج از کشور منع قانونی ندارد. این نرخ در حال حاضر حدود هر دلار معادل ۷,۱۰۰ ریال است.

۵- نرخ بازار سیاه در مورد ارزیابی کاربرد دارد که تأیید منشأ خارجی را ندارند. قیمت این نوع ارز حداکثر ۵۰ ریال پایین‌تر از نرخ بازار آزاد با تأیید منشأ خارجی است.

۶- نرخ بازارهای خارج از کشور. در اینجا سه بازار دویی، لندن و فرانکفورت وجود دارد که قیمت آنها بین ۱۰ تا ۵۰ ریال بابت هر دلار گران‌تر از نرخ بازار آزاد با تأیید منشأ خارجی است.

با در نظر گرفتن گستردگی و تنوع نرخ‌ها، درصدی از هزینه‌ها که برحسب هر یک از نرخ‌ها پرداخت می‌شود، از اولویت ویژه‌ای

مفروض پذیرفته شده است. براساس اظهارات مسئولان این نرخ تا پایان سال ۱۳۷۸ ثابت باقی می‌ماند. در بودجه سال ۱۳۷۸ نیز از این نرخ برابری برای محاسبه معادل ریالی درآمدهای حاصل از صادرات نفت استفاده شده است. در بودجه، هیچ تغییری در سیاست ارزشیابی پول ملی داده نشده است.

۲- سیاست انتخاب نرخ برابری پول‌های خارجی به ریال ایران

سال‌هاست که ریال ایران چند نرخ رسمی بوده است. بودجه سال ۱۳۷۸ نیز این رویه را می‌پذیرد. در بودجه از دو نرخ صادراتی و واریزنامه‌ای نام برده شده است.

نکته‌ای که در مورد چند نرخ رسمی بودن اهمیت دارد، شدت استفاده از هر یک از نرخ‌هاست. مشاهدات نشان می‌دهد که در حال حاضر در کشور شش نرخ برابری وجود دارد:

۱- نرخ شناور که در واقع نرخ رسمی برابری پول‌های خارجی به ریال ایران است. این نرخ فقط در محاسبه ارزش رسمی صادرات نفت و در مواردی برای خرید کالاهای ضروری به کار می‌رود. بودجه سال ۱۳۷۸ در هیچ نقطه‌ای به فروش ارز به نرخ‌های شناور اشاره نمی‌کند.

۲- نرخ صادراتی که در ابتدا برای تسویق صادرکنندگان به وجود آمد و به همین دلیل نیز به نرخ صادراتی معروف شد. از این نرخ برای واردات ضروری کشور

برخوردار خواهد بود. هر قدر سهم ارزهای گران‌تر در بودجه بیشتر شود، ریال ایران به‌طور متوسط بیشتر تضعیف می‌شود. در مواردی نرخ‌های برابری خارج از بودجه به عنوان انگیزه برای مصرف ارز محسوب می‌شود. در این موارد حاشیه تفاوت اهمیت می‌یابد.

در بودجه سال ۱۳۷۸ در تبصره ۲۹ بند (م)، دولت مجوز می‌یابد که ۱۱/۹ هزار میلیارد ریال از محل مابه‌التفاوت نرخ‌های برابری به دست آورد (جدول ۱). به بیان دیگر دولت چند نرخ بودنی را می‌پذیرد و قصد دارد از آن برای تأمین درآمد استفاده کند. قابل توجه است که اگر دلار به نرخ صادراتی مبنای مبادله قرار می‌گرفت، دولت باید ۹/۳ میلیارد دلار را گران‌تر از نرخ شناور می‌فروخت. به نظر بعید می‌رسد که دولت بخواهد از ۱۰/۹ میلیارد دلار قابل تخصیص توسط بانک مرکزی، ۹/۳ به نرخ ۳،۰۰۰ ریال فروخته شود. در این صورت، می‌توان پذیرفت که در این مجوز دولت خواسته است بیش از دو نرخ برابری را به رسمیت بشناسد. از آنجا که نرخ واریزنامه‌ای پیوسته سیر صعودی دارد، به احتمال زیاد دولت از این نرخ برای تأمین ریال استفاده گسترده به عمل خواهد آورد.

۳- چند نرخ شدن قیمت ارز

گرچه یکسان بودن نرخ ارز یکی از خط‌مشی‌های اصلاح نظام تجارت خارجی

در برنامه دوم توسعه بود، لکن از اوایل سال ۱۳۷۴ با تثبیت نرخ ارز صادراتی و ثابت نگاهداشتن نرخ رسمی ارز، افزایش قیمت واریزنامه و معاملات ارز در بازار آزاد باعث شد که اختلاف میان نرخ‌های رسمی و صادراتی و دیگر نرخ‌های ارز به سرعت افزایش یابد و کاهش درآمدهای ارزی دولت در سال جاری نیز این فاصله را افزایش داده است.

در لایحه بودجه ۱۳۷۸ تسعیر درآمدهای حاصل از فروش نفت و فراورده‌های نفتی به قیمت شناور (۱۷۵۰ ریال برای هر دلار) تصریح شده است و با توجه به تأکیدات ریاست محترم جمهور به نظر می‌رسد نرخ صادراتی دلار (۳،۰۰۰ ریال) نیز همچنان ادامه یابد. از سوی دیگر، کاهش درآمدهای ارزی و الزام به کسب درآمد از محل فروش ارز به میزان ۱۱/۸۶ هزار میلیارد ریال دو گزینه را در پیش روی بانک مرکزی قرار می‌دهد: اول، تخصیص و فروش بخش بیشتری از ارز صادراتی به نرخ واریزنامه‌ای و اجازه دادن به افزایش کنترل شده قیمت واریزنامه. دوم، عدم تغییر ترکیب ارزهای صادراتی و واریزنامه‌ای و اجازه افزایش شدید قیمت واریزنامه. حالت اول، ضمن جلوگیری از افزایش شدید تفاوت قیمت رسمی ارز با ارز واریزنامه‌ای باعث می‌شود تا بخش بیشتری از ارز به قیمت‌های واقعی به فروش برسد و بدین لحاظ گامی خواهد بود در جهت تک‌نرخ

جدول ۱- تغییر در دولت و شدت چندزبخی بودن آموزش پروری پول ملی

پوشش و کلیات	انگیزه یادگیری	سیاست	دریافت کننده	دریافت کننده	پرواغت کننده	مبلغ تخصیص یافته	ماهیت عمل یا اقدام	شماره تصویر
فراگیر - آثار اقتصادی گسترش آموزش از سه صورت همزمان: جدی، نیمه و گسترش در سرما، گذاری ضعیف می‌شود، به نظر می‌رسد که اگر دولت بتواند به طرح خود دلار معادل ۳۰۰۰ میلیارد بخرد، باید "هشتمین دلار از یادگاری بخرد" گسترش آموزش با جوس قابل پیش‌بینی است.	ایجاد بخش های اقتصادی به دلیل نشان چاره	استفاده از چند زبخی کردن آموزش کسب درآمد	دولت	بخش های اقتصادی	۱۱۸۸۸۴۴ میلیارد تومان	آموزش از سه طرح های گوناگون از طرح رسمی (شماره ۱)	۲۹-۴	

جدول ۲- مدیریت منابع ارزی

پوشش و کلیات	انگیزه یادگیری	سیاست	دریافت کننده	پرواغت کننده	مبلغ تخصیص یافته	ماهیت عمل یا اقدام	شماره تصویر
عمومی - شرح هزینه، شرح شماره استوار	ایجاد قانونی	خرید ارز	بانک مرکزی	وزارت خزانه ها و مؤسسات مالی دولتی	نامشخص	حسرت ارز از وزارت خزانه ها و مؤسسات مالی دولتی	۲۹-الف
عمومی - هیچ خصوصی برای دریافت این مبلغ وجود ندارد.	نامرتب	تخصیص خودداری شامل	بانک مرکزی	دولت	۱۰۷۸ میلیارد دلار	دریافت مجوز تخصیص	۲۹-ب
عمومی - سطح ارز دولتی خریداری شده است.	نامرتب	تخصیص از سوی	بانک مرکزی	وزارت نفت	۱۲۱۱ میلیارد دلار شامل ۱۰۶۶ میلیارد دلار صادرات نفت و ۱۴۵ میلیارد دلار صادرات فراورده	آموزش از سه بانک مرکزی	۲۹-ج
خاص - به دلیل موانع وزارت نفت، تخصیص وزیر صادرات می‌گردد.	نیاز دستگاه	تخصیص از سوی وزارت نفت و صادرات	شرکت ملی نفت ایران و شرکت ملی گاز ایران	بانک مرکزی	۷۸۵ میلیارد دلار	واگذاری از سه وزارت نفت	۲۹-د
خاص - طرح ها در دستور سرودن نمی‌باشد. مسئولیت خرید به اطلاع می‌رسد.	نیاز به ارز	مدارف از سوی دستگاه	شرکت ملی نفت و سایر واحدهای مستقر در قانون	مخارج	نامشخص است	مجوز بیع عمده بر اساس بند ۴ از بخش نامه تأسیسات قانونی رقم ۱۳۰۰ قانون برنامه دوم ملی مقدار نامشخص است	۲۹-هـ

کردن ارز، در حالی که حالت دوم با افزایش فاصله میان نرخ‌های رسمی و واریزنامه‌ای و حفظ ترکیب فعلی تخصیص ارز، گامی به عقب محسوب می‌شود. شایان ذکر است که با افتتاح حساب‌های ارزی داخلی و خارجی و امکان نقل و انتقال آنها، امکان دارد نرخ ارز جدیدی به نرخ‌های فعلی اضافه شود لکن این نرخ نباید تفاوت چندانی با نرخ بازار آزاد داشته باشد؛ زیرا این دو ارز علی‌القاعده به سرعت قابل تبدیل به یکدیگر خواهند بود.

بدیهی است هرچه بازار جهانی نفت رکود طولانی‌تری را تجربه نماید، درآمدهای ارزی کشور کمتر و فشار تورمی بیشتر خواهد بود و این امر به نوبه خود به افزایش سریع‌تر نرخ ارز در بازار آزاد ارز و حساب‌های ارزی کمک خواهد کرد و بر فاصله میان نرخ‌های رسمی و آزاد ارز خواهد افزود. به طور خلاصه، در بودجه سال ۱۳۷۸، ریال ایران به طور مؤثر تضعیف می‌شود. این تضعیف از راه گسترش تعداد نرخ‌ها و بالا رفتن فاصله بین نرخ‌های رسمی و واریزنامه‌ای از یک سو و سوق دادن درصد بزرگ‌تری از مبادلات به بازارهای گران‌تر از سوی دیگر ممکن می‌شود.

۴- مدیریت منابع ارزی

بودجه سال ۱۳۷۸ با تعیین حدود ارز قابل تخصیص، صدور مجوز تخصیص ۱۰/۹ میلیارد دلار از ۱۲/۱ میلیارد دلار دریافتی،

صدور مجوز برای عقد قراردادهای تأمین مالی به صورت‌های مختلف و تأیید رویه دریافت و پرداخت ارز توسط بانک مرکزی، شبکه مدیریت منابع ارزی را مشخص می‌سازد (جدول ۲). مشکلی که بودجه به آن توجه نداشته این است که کل ارز قابل تحصیل در اقتصاد را بسیار زیادتر از حدی برآورد کرده که با وضعیت فعلی جهان می‌توان انتظار دریافت آن را داشت.

کلیه نشانه‌های بین‌المللی حاکی از آن است که قیمت نفت پیش از رسیدن جهان به ساخت مطلوب این ماده اصلی انرژی، سیر صعودی نخواهد داشت.

در این چارچوب، برآورد خوش‌بینانه قیمت نفت در حد ۱۰ دلار برای هر بشکه و برآورد واقع‌بینانه این قیمت در سطح ۸ دلار برای هر بشکه می‌باشد. سیاست بودجه‌ای باید ارائه برآورد حتی بدبینانه باشد تا کسری بودجه دامن زده نشود. با وجود این، چنانچه برآوردهای واقع‌بینانه و خوش‌بینانه هم مدنظر می‌بود، رقم دریافتی ارزش حاصل از صدور نفت رقمی بین ۷/۵ تا ۹/۳ میلیارد دلار می‌شد.

۵- سالم سازی عملیات ارزی در اقتصاد ملی

قاعده کلی این است که مبادلات ارزی نباید وسیله سودجویی در کشور باشد. در این جهت، بودجه دستورهای خاص خود را صادر کرده است (جدول ۳).

در این مورد، مشکل نادیده گرفته شده ورود بانک مرکزی به بازارهای موزای ارز است. بودجه، وزارتخانه‌ها را از اقدامات سودجویانه باز داشته است، حال آن که منعی برای ورود بانک مرکزی به بازارهای موزای و روبه‌ای برای شفاف سازی مبادلات در بانک مرکزی ارائه نشده است.

۶- بسالا بردن ارزآوری یا کاهش ارزبری اقتصاد ملی

در این زمینه بودجه به سیاست‌های صدور مجوز فعالیت در خارج از کشور، به وجود آوردن امکان فروش اموال از خارج، اعطای تشویق‌های ریالی برای کاهش مصرف ارز در بخش‌های اصلی و اعطای مجوز تأمین اعتبارات صادراتی اقدام نموده است (جدول ۴).

مشکل این است که در بیشتر موارد کفایت سیاست تردیدآمیز به نظر می‌رسد، زیرا سیاست ریشه‌ اصلی نابسامانی در زمینه‌های مورد بحث رانادیده گرفته است. در مواردی نیز آثار جانبی سیاست‌های پیشنهادی حتی بر بودجه دولت قابل ملاحظه است، حال آن که بودجه به آن نمی‌پردازد. در جدول ۳ جزئیات سیاست‌های بودجه‌ای در هر یک از موارد بحث شده است.

۷- صادرات غیرنفتی و واردات و تراز پرداخت‌ها

صادرات غیرنفتی کشور در سال آینده تابع سه عامل مهم خواهد بود: اول، رکود اقتصادی جهان که از طریق کاهش تقاضا و

افزایش رقابت، قیمت محصولات صادراتی کشور را به شدت کاهش داده است. پیش‌بینی‌های موجود توسط بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول حکایت از تداوم و حتی تشدید رکود اقتصادی جهان دارد. از این رو، این عامل حداکثر در جهت تثبیت و به احتمال زیاد در جهت کاهش ارزش صادرات غیرنفتی ما عمل خواهد کرد. دوم، میزان تورم و افزایش هزینه‌های تولید در داخل؛ در این زمینه نیز به احتمال قریب به یقین نرخ تورم در سال آینده بسیار بیشتر از سال جاری خواهد بود و شاخص قیمت عمده فروشی بیش از ۲۰ درصد و شاخص قیمت خرده فروشی حدود ۳۰ درصد افزایش خواهد یافت. بنابراین، از این جهت نیز به صادرات فشار کاهنده وارد خواهد شد. عامل سوم، نرخ ارز واریزنامه است که تا حدود زیادی تحت کنترل بانک مرکزی است. در حال حاضر نرخ ارز واریزنامه تقریباً مناسب است و به همین جهت در ماه‌های اخیر روند کاهش صادرات غیرنفتی نسبت به ماه‌های مشابه سال قبل متوقف و حتی معکوس شده است. لکن در صورتی که این نرخ به تناسب نرخ تورم در سال آینده افزایش نیابد، روند بهبود صادرات متوقف خواهد شد.^۱ البته امکان افتتاح حساب ارزی در خارج - در صورتی که بتوان با این ارزها واردات سودآور انجام داد- می‌تواند باعث افزایش نرخ مؤثر ارزهای حاصل از صادرات گشته و به

۱. پیش‌بینی ما این است که نرخ واریزنامه در اواخر سال آینده به ۷۰۰۰ ریال و قیمت ارز آزاد به ۹۵۰۰ ریال خواهد رسید.

جدول ۳- سالم سازی عملیات ارزی در اقتصاد ملی

پوشش و کفایت	انگیزه پذیرش	سیاست	دوایات کننده	پرداخت کننده	مبلغ	ماهیت عمل یا اقدام	شماره تبصره
پوشش و کفایت نامشخص - به دلیل وجود انگیزه سود در قانون شکنی و فقدان مکانیسم های کنترلی، کفایت کار معطوف است.	نظارد	وضع ممنوعیت در مورد عملیات سره جریانه با ارزهای تخصیصی	طرف معامله	دریافت کننده ارز	نظارد	ممنوع کردن استفاده از سهمیه ارزی برای کسب درآمد	۲-۲
فراگیر - مستند دهرینه ایران است.	الزام قانونی	تعیین روش مبادله به جز در موارد استثنا	بانک مرکزی	بخش دولتی	نامربوط	الزام به انجام مبادلات ارزی از طریق بانک مرکزی	۲۹-۲
فراگیر	الزام قانونی	تعیین روش مبادله	خارجیان	بخش دولتی	نامربوط	الزام به مناقصه برای معاملات بیش از یک میلیون دلار	۲۹-ح
فراگیر	الزام قانونی	قانونمند سازی سازمانی	نامربوط	بخش دولتی	نامربوط	ممنوعیت انجام مبادلات بازرگانی خارج از وظیفه رسمی	۲۹-ط
فراگیر - اصل کار خوب است ولی در مورد اعتبارات دوازدهم قابل اجرا نیست.	الزام قانونی - بالا رفتن پوشش	قانونمند سازی مبادلات تجارت خارجی	سیستم بانکی	بخش های اقتصاد	نامربوط	تسویه حساب کامل رسالی در زمان تخصیص کالا	۲۹-س

تقویت صادرات کمک کند. اما در حال حاضر این امر قطعی نیست. در مجموع و با در نظر گرفتن احتمالات تغییر در عوامل فوق، انتظار نمی‌رود صادرات غیرنفتی از رقم ۳/۵ میلیارد دلار فراتر رود.

در مورد واردات، عمده‌ترین عوامل تعیین کننده عبارتند از میزان درآمدهای ارزی کشور که بانک مرکزی را قادر به فروش ارز در سقف تعیین شده برای واردات کالا و خدمات خواهد نمود. با توجه به شرایط فعلی و چشم‌انداز رکود اقتصادی جهان، بعید به نظر می‌رسد که بانک مرکزی بتواند بیش از ۸/۸ میلیارد دلار به این امر اختصاص دهد. حال اگر حدود ۳ میلیارد دلار ارز حاصل از صادرات غیرنفتی سال جاری نیز در سال آینده تماماً صرف واردات شود و واردات جزئی دیگر نیز به حساب آورده شود، جمع واردات کشور در سال آینده چیزی حدود ۱۲ میلیارد دلار خواهد شد. البته اگر به ارزهای داخلی و خارج از کشور نیز امکان واردات داده شود، احتمال دارد رقم مزبور به ۱۴ میلیارد دلار نیز برسد؛ اما از آنجا که این امر به منزله واردات بدون انتقال ارز خواهد بود و بر نرخ ارز در بازار آزاد تأثیر خواهد نهاد، بعید به نظر می‌رسد واردات نامحدود با این ارزشها اجازه داده شود و در بهترین شرایط، احتمال می‌رود واردات کالاهای مندرج در فهرست مجاز مورد عمل قرار گیرد.

بدین ترتیب تراز تجاری کشور در سال

آینده در دو حالت فوق برابر خواهد بود با:
 (۱) $۱۰+۳/۵-۱۲=+۱/۵$ میلیارد دلار
 (۲) $۱۰+۳/۵-۱۴=-۰/۵$ میلیارد دلار
 از آنجا که کشور ما به طور خالص واردکننده خدمات می‌باشد، برای رسیدن به رقم تراز حساب جاری می‌توان حدود ۲ میلیارد دلار دیگر از ارقام فوق کسر نمود و به ترتیب به ارقام $-۰/۵$ و $-۲/۵$ میلیارد دلار رسید.

برای رسیدن به رقم تراز حساب سرمایه، لازم است به چندین عامل توجه شود. اول، رقم ۱/۱ میلیارد دلار بازپرداخت تعهدات ارزی کشور؛ دوم، میزان تلاش و توفیق دولت در استمهال بدهی‌های سررسید شده؛ سوم، میزان توفیق دولت در جلب و جذب سرمایه‌های خارجی. در مجموع و با در نظر گرفتن احتمالات هر کدام،^۱ پیش‌بینی می‌شود که تراز حساب سرمایه کشور نیز با کسری حدود ۱ میلیارد دلار روبه‌رو گردد. بدین ترتیب، تراز پرداخت‌های کشور در دو حالت فوق به ترتیب با $-۱/۵$ و $-۳/۵$ میلیارد دلار کسری روبه‌رو خواهد بود و به همین میزان از ذخایر ارزی کشور کاسته خواهد شد. بدیهی است در صورتی که تمهیدی اندیشیده شود که واردات از طریق

۱. احتمالاً بین ۱/۵ تا ۱ میلیارد دلار از این کسری از طریق ارزهای انتقالی از خارج کشور قابل تأمین خواهد بود مشروط بر آنکه انگیزه لازم برای ورود این ارزها به کشور (جهت واردات) فراهم گردد.

۲. اخیراً در مورد استمهال بدهی‌های ایران به آلمان، ژاپن و ایتالیا جمعاً به میزان ۳ میلیارد دلار، مطالبی منتشر شده است.

حساب‌های ارزی دارای منشأ داخلی و خارجی میسر گردد، بخشی از ۳/۵ میلیارد دلار کسری تراز پرداخت‌ها از طریق انتقال ارزهای خارج از کشور به داخل و بخش دیگری از آن نیز از طریق ارزهای موجود در بازار تأمین خواهد شد و کاهش ذخایر ارزی کشور تنها به حدود ۱/۵ میلیارد دلار محدود خواهد شد.

۸- ایجاد بدهی ارزی و بازپرداخت بدهی‌های خارجی کشور

مشکلات ارزی کشور که از اواسط امسال تشدید شده است، بازپرداخت به موقع بدهی‌های کشور را در سال ۱۳۷۷ با مشکل رو به رو ساخته و اخباری دال بر عدم پرداخت کامل بدهی‌ها در ۳ ماهه سوم سال منتشر شده است. طبعاً با ادامه شرایط فعلی بازار نفت، امکان پرداخت به موقع بدهی‌های کشور در سال ۱۳۷۸ چندان محتمل نخواهد بود.^۱ در سال جاری در اصلاحیه بودجه ۱۳۷۷ به دولت اجازه داده شد که نسبت به پیش فروش نفت یا استقراض خارجی به میزان ۱ میلیارد دلار اقدام نماید که شق اول احتمال بازپرداخت بدهی‌های سال آینده را تضعیف می‌کند و شق دوم رسماً به تعهدات خارجی کشور می‌افزاید. نکته دیگر آن که در لایحه بودجه سال ۱۳۷۸ پیشنهاد شده است که دولت به عوض پرداخت ۱/۶۴ میلیارد دلار از تعهدات ارزی کشور تنها ۱/۱۴ میلیارد دلار پرداخت نماید. بدین ترتیب با احتمال استقراض ۱ میلیارد دلار در امسال، حتی در صورت پرداخت ۱/۱۴ میلیارد دلار، تعهدات

ارزی کشور کاهش قابل ملاحظه‌ای نخواهد یافت. این در حالی است که برخی از پرداخت‌های ارزی سال جاری نیز با تأخیر صورت می‌گیرد. مذاکراتی برای استمهال قریب به ۳ میلیارد دلار از بدهی‌های خارجی کشور در جریان است و در لایحه بودجه ۱۳۷۸ نیز پیشنهاد شده است طرح‌هایی به شکل بیع متقابل یا فاینانس انجام شود که ۵/۴ میلیارد دلار به شکل بیع متقابل، ۲/۵ میلیارد دلار به صورت فاینانس یا بازپرداخت از محل تولید و ۱/۲ میلیارد دلار به صورت فاینانس خواهد بود که لااقل مورد آخر به طور قطع بر تعهدات خارجی کشور خواهد افزود. بدین ترتیب، حتی با لحاظ نمودن معاملات بیع متقابل و فاینانس با بازپرداخت از محل تولید به عنوان بدهی‌های خارجی کشور، بدهی‌های ارزی کشور در سال آینده چه به لحاظ اصل تعهدات و چه از نظر سود قابل پرداخت،^۲ افزایش خواهد یافت.

با جمع میزان فراورده‌های قابل صدور، رقم دریافتی ارزی قابل تخصیص در حد ۹ تا ۱۰/۸ میلیارد دلار محدود می‌شود. به بیان دیگر رقمی بین ۱/۳ تا ۳/۱ میلیارد دلار

۱. شایان ذکر است که رقم سررسید بدهی‌های خارجی کشور در سال ۱۳۷۸ (۲۸۷) میلیارد دلار ذکر گردیده که به مراتب کمتر از ارقام ۷۷ میلیارد دلاری سال ۱۳۷۶ و ۴/۳ میلیارد دلاری سال ۱۳۷۷ است. در متقابل، درآمدی حاصل از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی نیز در سال ۱۳۷۸ حدود ۵ میلیارد دلار کمتر از سال ۱۳۷۶ خواهد بود.

۲. تعهدات ارزی کشور با احتساب بهره‌های قابل پرداخت و اعتبارات استنادی گشایش شده بسیار بیش از بدهی‌های خارجی کشور است. متأسفانه بند (ج) تبصره ۲۲ قانون برنامه دوم توسعه با تعیین سقف ۲۵ میلیارد دلاری برای ارزش حال کل بدهی‌ها و تعهدات کشور، از بهره برداری غفلت نموده است و عملاً اجازه داده است تا کل تعهدات ارزی کشور از رقم ۲۵ میلیارد دلار نیز فراتر رود.

زیادگویی در مورد دریافتی ارزی وجود دارد. این زیادگویی سبب زیادنمایی درآمدهای دولت و کم نمایی جدی کسری بودجه هم می‌شود.

در زمینه بدهی‌ها پس از آن که بحران بدهی‌های خارجی به صورت جدی به اعتبار بین‌المللی کشور آسیب وارد آورد، دولت به صورت قانونی بانک مرکزی را ملزم ساخت که از حجم بدهی‌های خارجی بکاهد. این الزام براساس قانون برنامه دوم سالانه ۱/۱۴۲ میلیارد دلار بود. نیاز به منابع ارزی سبب شده است که قانون بودجه سال ۱۳۷۷ با تعدیل در این الزام قانونی، پیش فروش نفت و وام‌گیری از خارج را در اصلاحیه بودجه بپذیرد. در لایحه بودجه سال ۱۳۷۸ فراگیر بودن این الزام نادیده گرفته شده است. در نتیجه، در پایان سال به یقین بدهی‌های خارجی کشور می‌تواند بیش از ۱۰ میلیارد دلار افزوده شده باشد (جدول ۵).

در لایحه بودجه، یک بار دیگر مجوز پیش فروش نفت برای تأمین بدهی‌های موجود در نتیجه پیش فروش‌های قبلی صادر شده است! این برخورد بودجه‌ای دچار یک خطای فنی است؛ زیرا در تأمین مالی از راه پیش فروش نفت، زمانی که صادرات انجام می‌شود، دیگر دولت وجهی دریافت نمی‌کند. حال آن که دولت یک بار نیز تصور کرده است که در زمان صدور فیزیکی نفت ارز دریافت خواهد کرد و

سپس این ارز را برای بازپرداخت وجوهی که به عنوان پیش دریافت مبادله نفت دریافت کرده بود، مورد استفاده قرار می‌دهد. نادیده گرفتن رویه کار سبب شده است که لایحه، دستور نادرستی در مورد مجوز پیش فروش نفت در بند ب - ۱ از تبصره ۲۹ صادر کند. دستور بودجه‌ای باید به واقع این بود که «شرکت ملی نفت حق دارد برای دریافت حداکثر... میلیارد دلار دریافتی ارزی تا سقف... بشکه نفت خام را در طول سال پیش فروش و ارز حاصل از این مبادله سلف را به بانک مرکزی واریز نماید». نکته با اهمیت‌تر این است که در هر صورت مطلوبیت سیاست پیش فروش نفت باید در گزارشی توجیهی به مجلس، مورد بررسی قرار می‌گرفت. چنین گزارشی همراه اسناد بودجه پیوست نشده است.

در مورد مجوزهایی که برای معاملات پس خرید (بیع متقابل) و تأمین مالی دراز و میان مدت (فاینانس) صادر شده است نیز اگرچه استناد به قانون برنامه دوم وجود دارد، اما دولت هیچ سندی مبنی بر عملکرد سال‌های پیش، به مجلس ارائه ننموده است. فقدان عملکرد تبصره ۲۹ در ماه‌های مختلف سال ۱۳۷۷ و برآورد عملکرد سال مورد بحث سبب شده است که ابعاد بدهکاری کشور در نتیجه عملیات بودجه سال ۱۳۷۷ و پیشنهادهای بودجه‌ای سال ۱۳۷۸ پنهان بماند.

شواهد نشان می‌دهد که عملکرد در

زیادگویی در مورد دریافتی ارزی وجود دارد. این زیادگویی سبب زیادنمایی درآمدهای دولت و کم نمایی جدی کسری بودجه هم می‌شود.

در زمینه بدهی‌ها پس از آن که بحران بدهی‌های خارجی به صورت جدی به اعتبار بین‌المللی کشور آسیب وارد آورد، دولت به صورت قانونی بانک مرکزی را ملزم ساخت که از حجم بدهی‌های خارجی بکاهد. این الزام براساس قانون برنامه دوم سالانه ۱/۱۴۲ میلیارد دلار بود. نیاز به منابع ارزی سبب شده است که قانون بودجه سال ۱۳۷۷ با تعدیل در این الزام قانونی، پیش فروش نفت و وام‌گیری از خارج را در اصلاحیه بودجه بپذیرد. در لایحه بودجه سال ۱۳۷۸ فراگیر بودن این الزام نادیده گرفته شده است. در نتیجه، در پایان سال به یقین بدهی‌های خارجی کشور می‌تواند بیش از ۱۰ میلیارد دلار افزوده شده باشد (جدول ۵).

در لایحه بودجه، یک بار دیگر مجوز پیش فروش نفت برای تأمین بدهی‌های موجود در نتیجه پیش فروش‌های قبلی صادر شده است! این برخورد بودجه‌ای دچار یک خطای فنی است؛ زیرا در تأمین مالی از راه پیش فروش نفت، زمانی که صادرات انجام می‌شود، دیگر دولت وجهی دریافت نمی‌کند. حال آن که دولت یک بار نیز تصور کرده است که در زمان صدور فیزیکی نفت ارز دریافت خواهد کرد و

جدول ۵- ایجاد بندهای ارزی و بازپرداخت بندهای خارجی کشور

شماره تصویر	موضوع یا اقدام	مبلغ تخصیص یافته	پروانحه کننده	دریافت کننده	سیاست	انگیزه پذیرش	مکان پذیرش	پوشش و کلیات
۱-ب-۲۹	ماده و معنوی پیش از پرداخت	تخصیص حداکثر ۱۰۰ میلیارد ریال (۰٪)	خارجیان	دولت	واریزی از خارج	سازمان امور مالیاتی	سازمان امور مالیاتی	حاصل - این سیاست اثرات زیاده‌خواهانه و در همه حال به زیاده‌خواهی منتهی است
۲-ب-۲۹	بازپرداخت بندهای خارجی	۱۷۲۲ میلیارد ریال به منظور حاکم	دولت	خارجیان	بازپرداخت بندهای خارجی	حسابداری و امور مالیاتی	سازمان امور مالیاتی	حاصل - تعدد قابل توجهی در پرداخت بندهای خارجی به علت تفاوت در نحوه پرداخت بندهای خارجی و تفاوت در نحوه پرداخت بندهای خارجی و تفاوت در نحوه پرداخت بندهای خارجی
۱-و-۲۹	مستاد قرارداد به استثنای (س) خرید یا خارجیان	۵۲۲ میلیارد ریال	خارجیان	شرکت ملی نفت و گاز و واحد های مستاد و در قانون برنده دوم	دولت و اموال و خارج	تاریخ ارز	سازمان امور مالیاتی	حاصل - صدور مستاد توسط شرکت ملی نفت و گاز و واحد های مستاد و در قانون برنده دوم
۱-ل-۲۹	وام گسری سرای توسعه میانه	۵۲۲ میلیارد ریال	خارجیان	وزارت نفت	دولت و اموال و خارج	تاریخ ارز	سازمان امور مالیاتی	حاصل - صدور مستاد توسط شرکت ملی نفت و گاز و واحد های مستاد و در قانون برنده دوم
۲-ل-۲۹	وام گسری به قصد تولید صنعتی	به میزان نیاز	خارجیان	شرکت ملی نفت	وام گسری از خارج	پلاریزی	سازمان امور مالیاتی	حاصل - بازپرداخت مستاد توسط شرکت ملی نفت و گاز و واحد های مستاد و در قانون برنده دوم
۳-ل-۲۹	وام گسری سرای توسعه میانه	۵۲۲ میلیارد ریال	خارجیان	شرکت ملی نفت و گاز	وام گسری از خارج	پلاریزی	سازمان امور مالیاتی	حاصل - صدور مستاد توسط شرکت ملی نفت و گاز و واحد های مستاد و در قانون برنده دوم
۴-ل-۲۹	وام گسری سرای توسعه میانه	۵۲۲ میلیارد ریال	خارجیان	شرکت ملی نفت و گاز	وام گسری از خارج	پلاریزی	سازمان امور مالیاتی	حاصل - صدور مستاد توسط شرکت ملی نفت و گاز و واحد های مستاد و در قانون برنده دوم
۵-ل-۲۹	وام گسری سرای توسعه میانه	۵۲۲ میلیارد ریال	خارجیان	شرکت ملی نفت و گاز	وام گسری از خارج	پلاریزی	سازمان امور مالیاتی	حاصل - صدور مستاد توسط شرکت ملی نفت و گاز و واحد های مستاد و در قانون برنده دوم

زمینه طرح‌هایی که از پوشش تعهدات ارزی کشور خارج مانده‌اند (موضوع بندهای «ل» و «و» از تبصره‌های ۲۹) بسیار ضعیف بوده و حتی به ۵ درصد نمی‌رسد. پس چه طور می‌توان تصور کرد که این عقب‌افتادگی در بودجه سال ۱۳۷۸ به‌طور کامل جبران بشود؟ حاصل این بیش ساده‌نگر نادیده گرفتن امکان برآورده شدن هدف‌های توسعه‌ای متکی به تأمین مالی از طریق این شبکه است.

۹- تخصیص‌های ارزی

یکی از ایرادات لایحه بودجه سال ۱۳۷۸ کل کشور (همانند بودجه سال‌های قبل) مشخص نبودن بودجه ارزی کشور و شیوه تخصیص آن است. تنها در بندهای خاصی نظیر بازپرداخت بدهی‌ها، بند (د-۲) تبصره ۲۹، بند (د-۳) تبصره ۲۹ و بند (ج) تبصره ۲۸، مبالغ ارزی معینی به دستگاه‌ها اختصاص یافته است. اما معلوم نیست سهمیه کالاهای اساسی، پروژه‌های ملی و شرکت‌های دولتی و دیگر بخش‌های اقتصاد به چه میزان و با چه نرخ‌ی است. حتی برای حصول به درآمد ریالی پیش‌بینی شده از محل فروش ارز توسط بانک مرکزی، دست این بانک برای تعیین نرخ ارز مورد نظر (یا ترکیب ارز تخصیصی صادراتی و واریزنامه‌ای و شاید فروش در بازار آزاد) باز گذاشته شده است. بدین ترتیب، بخش‌های اقتصادی کشور از میزان و نرخ ارز

تخصیصی بی‌اطلاع مانده است و سرنوشت آنها در گرو رکود یا بهبود بازار نفت خواهد بود. گرچه، یک نکته مشخص است و آن این‌که در صورتی که بانک مرکزی بخواهد با درآمدهای ارزی قابل تحقق به درآمد ریالی مورد نظر دست یابد، نرخ مؤثر ارز در سال آینده باید به شدت افزایش یابد که این به مفهوم حرکت به سمت تخصیص بیشتر ارز به نرخ واریزنامه‌ای خواهد بود.

۱۰- مضامین ارزی تبصره ۲۹

در تبصره ۲۹ درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت خام، ۱۰/۶۱ میلیارد دلار و صادرات فرآورده‌های نفتی ۱/۴۷ میلیارد دلار پیش‌بینی شده است که هر دو آنها در مقایسه با پیش‌بینی عملکرد سال جاری^۱ به ترتیب نزدیک به ۴ و ۲۶ درصد افزایش نشان می‌دهد (ارقام مذکور به ترتیب ۹/۶۵ و ۱/۱۷ میلیارد دلار برآورد شده بودند). شایان ذکر است که حتی اگر روزانه ۲/۳ میلیون بشکه نفت هر بشکه به قیمت ۱۲ دلار صادر شود که احتمال آن با توجه به شرایط فعلی بازار نفت بعید می‌نماید، از فروش نفت خام تنها حدود ۱۰ میلیارد دلار به دست خواهد آمد. بنابراین، می‌توان گفت که درآمد ارزی حاصل از فروش نفت دارای خطای بزرگ‌نمایی است. به همین ترتیب، از آنجا که با کاهش قیمت نفت، قیمت فرآورده‌های نفتی نیز کاهش می‌یابد،

۱. مربوط به پیش‌بینی انجام شده در شهریور ماه می‌باشد.

به احتمال زیاد درآمد حاصل از فروش فرآورده‌ها نیز محقق نخواهد شد. در شرایط فعلی به نظر نمی‌رسد کل درآمد حاصل از فروش نفت و فرآورده‌های آن حتی به ۱۰ میلیارد دلار برسد.^۱ البته ممکن است گفته شود که با افزایش قیمت بنزین در واردات آن صرفه‌جویی و بر توان صادرات افزوده می‌شود، اما با توجه به کاهش قیمتی بسیار کم بنزین و ثابت ماندن قیمت آن برای مصارف متعارف، افزایش تولید خودرو و سهم گروه‌های پردرآمد در مصرف بنزین، احتمال این صرفه‌جویی بسیار ضعیف است. بنابراین، درآمد نفت و فرآورده‌های آن حدود ۲ میلیارد دلار کمتر از ارقام لایحه خواهد بود، مگر آن که بازار نفت بهبود قابل ملاحظه‌ای پیدا کند (شاید به لحاظ همین مسئله است که دولت محترم در لایحه بودجه ۱۳۷۸، کاهش در مانده تعهدات ارزی را با ۰/۵ میلیارد دلار کاهش نسبت به سال‌های قبل، رقمی حدود ۱/۱۴ میلیارد دلار در نظر گرفته است). بدین ترتیب، منابع ارزی مبنای درآمد ریالی چیزی حدود ۱۰ میلیارد دلار (معادل ۱۷۵۰۰ میلیارد ریال) خواهد شد که نسبت به رقم ۲۱۱۴۷ میلیارد ریالی لایحه، ۱۸ درصد کاهش نشان می‌دهد.

به علاوه، اگر پیش‌بینی‌ها صحیح از کار درآید با عنایت به رقم پرداخت تعهدات ارزی کشور، بانک مرکزی قادر خواهد بود تنها برای واردات کالا و خدمات به میزان ۸/۸۶ میلیارد دلار پرداخت یا تعهد نماید (این رقم در لایحه بودجه ۰/۹۴ میلیارد

دلار ذکر شده است).

نکته مهم دیگری که در این تبصره پیش‌بینی شده است، آن است که بانک مرکزی نرخ ارز را به گونه‌ای تعیین نماید که از محل فروش ارز رقمی حدود ۱۱/۸۶ هزار میلیارد ریال درآمد کسب کند. اگر کل ارز قابل تعهد و پرداخت ۸/۸۶ میلیارد دلار باشد، با عنایت به این نکته که چیزی حدود ۲/۸ میلیارد دلار آن به مصرف کالاهای اساسی و دارو خواهد رسید، برای کسب ۱۱/۸۶ هزار میلیارد ریال، بانک مرکزی تنها می‌تواند حداکثر ۶ میلیارد دلار را به قیمتی بالاتر از نرخ رسمی ارز به فروش برساند. بدین ترتیب برای دستیابی به درآمد فوق‌الذکر بانک مرکزی مجبور خواهد بود هر دلار آن را به طور متوسط به قیمت ۳۷۲۶ ریال عرضه نماید.^۲ جهت مقایسه می‌توان به عملکرد بودجه سال ۱۳۷۶ مراجعه کرد. در این سال، کل درآمد ارزی نفت ۱۴/۹۶ میلیارد دلار بود که ۱/۶۴ میلیارد دلار آن صرف کاهش تعهدات ارزی کشور گردید. بنابراین رقمی حدود ۱۳/۳ میلیارد دلار می‌توانست توسط بانک مرکزی

۱. در واقع درآمد حاصل از پیش‌فروش نفت در سال جاری نیز باید از رقم فوق کسر شود، مگر آن که این امر در سال آینده نیز تکرار شود. اما از آنجا که میزان پیش‌فروش نفت در سال جاری معلوم نیست، از آن صرف‌نظر شده است.
 ۲. از آنجا که علاوه بر کالاهای اساسی هزینه‌های دیگری نیز در بودجه ارزی دولت با نرخ رسمی فروخته می‌شود رقم مورد بحث کمتر از ۶ میلیارد و متوسط قیمت فروش آن بیش از ۳۷۲۰ ریال خواهد شد. اما به دلیل در اختیار نبودن ترکیب بودجه ارزی در مورد میزان ارز قابل اختصاص به نرخ‌های صادراتی و وزیرنامه‌ای نمی‌توان به رقم دقیقی رسید. در سال ۱۳۷۶ قرار بود نزدیک به نیمی از بودجه ارزی کشور به نرخ صادراتی فروخته شود. یقیناً مقداری نیز با نرخ واریزنامه‌ای به فروش رسیده است.

بود زیرا این سپرده‌ها علی‌الاصول باید بتوانند به کشور وارد یا از کشور خارج شوند.

۱۱- تبصره‌های دیگر ارزی

تبصره‌های دیگر چندان اهمیتی ندارند. در بند (ی) تبصره ۲ استفاده از سهمیه ارزی به منظور کسب درآمد و تبدیل آن به ارز آزاد ممنوع شده است که علی‌الاصول حرف درستی است، اما با توجه به مضایق ارزی موجود به نظر نمی‌رسد که سازمان‌ها ارز زیادی برای این کار داشته باشند. در بند (ک) تبصره ۵ نیز صرفه‌جویی ارزی حاصل از خرید کالاهای اساسی به صورت فله به نرخ واریزنامه‌ای فروخته شده و درآمد آن به حساب درآمد عمومی کشور واریز خواهد شد. در تبصره (۱۴) نیز هزینه ثبت سفارش کالا برای کالاهای غیراساسی مبلغ ۲۵۰ ریال به ازای هر دلار تعیین شده است که تفاوتی با رقم سال قبل ندارد. در تبصره (۲۸) نیز دولت اجازه می‌یابد تا سقف ۵۰ میلیون دلار از سهمیه ارزی واردات کود را برای تولید آن در داخل اختصاص دهد.

به طور خلاصه، در بخش ارزی عملکرد بودجه سال ۱۳۷۸ بسیار ابهام‌آمیز دیده می‌شود. عمده‌ترین موارد بحث عبارتند از:

- ارائه نشدن اسناد لازم برای روشن کردن ماهیت عملیات ارزی در سال ۱۳۷۸ و

عملکرد سال ۱۳۷۷؛

- زیادگویی در درآمد ارزی؛

- نادیده گرفتن بدهی‌های خارجی ایجاد شده؛

پرداخت یا تعهد شود. درآمد ریالی حاصل از فروش ارز در سال مزبور ۱۰۵۰ میلیارد ریال بود. با کسر رقم ۲/۸ میلیارد دلار برای کالاهای اساسی، بانک مرکزی از ۱۰/۵ میلیارد دلار ۱۰۵۰ میلیارد ریال به دست آورد (به جز ۱۷۵۰ ریال به ازای هر دلار از طریق درآمدهای نفتی به قیمت شناور)، یعنی هر دلار را به طور متوسط به قیمت ۳۷۵۰ ریال فروخته است.

نکته مهم دیگر تبصره ۲۹ آن است که در بند ج-۴ این تبصره اجازه داده شده است که کسری ریالی پرداخت تعهدات خارجی در صورت عدم تکافو از طریق حساب واسطه ذخیره تعهدات ارزی تأمین شود که این امر می‌تواند با افزایش نقدینگی و تورم، بر فشار بر نرخ ارز در بازار بیفزاید.

نکته مثبتی که در این تبصره وجود دارد، در بند (ف) این تبصره است که طبق آن دولت مکلف گردیده است سیاست‌های ارزی را به گونه‌ای تنظیم نماید که بانک‌ها بتوانند حساب‌های ارزی داخلی و خارجی افتتاح نمایند. این نکته از آن رو حائز اهمیت است که می‌تواند در صورت اجرای صحیح، نه تنها بخشی از مازاد ارز حاصل از صادرات و ارزهای خارج شده از کشور را به سیستم بانکی بازگرداند، بلکه با جذب ارزهای داخلی، در جهت محدود ساختن معاملات ارزی در بازار آزاد نیز نقش مؤثری ایفا نماید. ظناً چنین امری به مفهوم آزادسازی نسبی حساب سرمایه نیز خواهد

- نادیده گرفتن تأخیرها و خساراتی که در نتیجه ناتوان ماندن از تأمین مالی خارجی پیش می‌آید.
با این اوصاف، لایحه بودجه به یک بازنگری جامع عمومی نیازمند است. در غیر این صورت بروز بحران بدهی دیگر اجتناب‌ناپذیر می‌شود.

۱۲- فشرده و چند پیشنهاد

کاهش درآمدهای نفتی مانند همیشه درآمد ارزی و ریالی دولت را کاهش داده و از طریق تحدید واردات و بودجه جاری و عمرانی دولت اقتصاد را به طرف کاهش رشد اقتصادی و رکود هدایت خواهد کرد. متأسفانه در صورت ادامه رکود فعلی در اقتصاد جهان و وضعیت موجود بازار نفت جهانی، درآمدهای ارزی و ریالی دولت در لایحه پیشنهادی محقق نخواهد شد و کسری بودجه و تورم، گریزناپذیر می‌باشد. در این شرایط، استقراض خارجی و کسری بودجه از طریق سیستم بانکی بدترین سیاست‌های ممکن است. در مقابل، استفاده هر چه بیشتر از سرمایه‌های داخلی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی، فروش شرکت‌های دولتی و طرح‌های نیمه تمام به مردم و تسهیل و تشویق هر چه بیشتر صادرات غیرنفتی از جمله راه‌کارهای صحیح در تأمین منابع ارزی و ریالی کشور خواهد بود. مواردی نظیر پیش فروش نفت و استمهال بدهی‌ها نیز چندان قابل توصیه نیستند؛ زیرا تنها مشکل را به سال‌های آتی منتقل می‌کنند. در مقابل، تضمین امنیت

مالکیت و سرمایه نه تنها می‌تواند فعالیت‌های اقتصادی را در داخل کشور تحریک نماید، بلکه قادر به جذب ارزهای خارج شده از کشور نیز خواهد بود.

در مجموع، برای رفع مضیقه ارزی کشور و افزایش درآمدهای مالیاتی، پیشنهادهای زیر قابل طرح است:

- ۱- دادن مجوز واردات به ارزهای داخل و خارج از کشور مشروط به این‌که از طریق شبکه بانکی کشور و از کالاهای مندرج در فهرست کالاهای قابل ورود با ارز حاصل از صادرات باشند؛
- ۲- افزایش نرخ ارز محاسبه حقوق گمرکی و سود بازرگانی از نرخ رسمی به نرخ صادراتی؛
- ۳- افزایش تدریجی قیمت واریزنامه متناسب با نرخ تورم در کشور و خودداری از تثبیت مصنوعی آن؛
- ۴- ممنوع کردن و محدود ساختن واردات کالاهایی که تولید داخلی آنها در حد کافی است (نظیر آهن، فولاد، کاغذ و...)
- ۵- تسهیل ورود موقت کالا جهت صدور بعدی آن؛
- ۶- تسهیل ورود جهانگرد به کشور و صادرات چمدانی؛
- ۷- در نهایت، افزایش نرخ رسمی ارز (بدون افزایش متناسب در بودجه ریالی سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی) یکی دیگر از راه‌های قابل پیشنهاد است که نیازمند بحث گسترده و جداگانه‌ای است.

□ □ □